

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Spatial Patterns of Neighborhoods in the Historic City of Yazd
Determinants, Architectural Solutions and Principles of Neighborhood Architecture
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد شاخصه‌ها، ابزارهای معمارانه و اصول معماری همسایگی*

محسن عباسی هرفته^{۱*}، علی صادقیان^۲

۱. استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، ایران.

۲. کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۳۰ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۰۶ تاریخ انتشار: ۹۸/۱۱/۰۱

چکیده

بیان مسئله: همسایگی و تعامل همسایه‌ها از ویژگی‌های جامعه ساکن در شهرهای تاریخی ایران بوده است که در زندگی شهری امروز کم‌رنگ شده و تبعات و مخاطرات اجتماعی جدی‌ای را به همراه داشته است. موضوع مورد توجه در مقاله حاضر این است که چگونه کالبد معماری مجموعه‌های همسایگی شهرهای تاریخی، برخلاف شهرهای جدید، امکان برقراری روابط همسایگی را فراهم می‌آورد. **هدف پژوهش:** این مقاله بر آن است که، با شناسایی عرصه‌های همسایگی و تجزیه و تحلیل کالبدی آنها، ضمن گونه‌شناسی الگوهای کالبدی همسایگی، به شناسایی شاخصه‌های معماری آن و ابزارها و اصول معمارانه به‌کارگرفته‌شده برای ظهور و بروز این رفتار اجتماعی در بافت تاریخی یزد بپردازد. **روش پژوهش:** به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش، از روش تحقیق نظریه داده‌مبنای بهره‌گرفته شده است. پس از شناسایی و مشاهده میدانی نمونه‌های متنوع عرصه‌های همسایگی در بافت تاریخی یزد از طریق نمونه‌گیری نظری، نمونه‌ها توصیف و تحلیل شدند. عمده‌فرآیند تحلیل از طریق عکس‌برداری مکرر و ترسیم دیاگرام‌های فضایی و پلان‌های شماتیک و درج یادداشت‌های تصویری و نوشتاری و سپس کدگذاری مراتبی آن‌ها صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که، با بهره‌گرفتن از ابزارهای معمارانه‌ای چون تغییر مصالح کف و جداره‌ها (ازاره‌ها)، مسقف کردن، ایجاد اختلاف سطح، ایجاد امکان نشستن موقت، تغییر تناسبات، تزیینات و تغییر نور و سایه، سه الگوی پایه همسایگی در عرصه نیمه‌عمومی بافت تاریخی شکل گرفته‌اند که شامل الگوهای ورودی‌محور، دربندمحور و ساباط‌محور هستند. این الگوها با رعایت دو اصل «مجاورت مکانی» و «کیفیت‌بخشی فضایی»، از طریق شاخص‌های معماری همسایگی چون مردم‌واری، آسایش اقلیمی، خلوت، حریم، آسایش عملکردی و امنیت در معابر با افزایش حضورپذیری آنها، در برقراری روابط همسایگی تأثیرگذار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: همسایگی، الگوهای کالبدی همسایگی، معماری همسایگی، بافت تاریخی یزد.

عباسی هرفته در دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد به‌انجام رسیده است.
** نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۳۳۵۱۲۰۵۲ abbasi@yazd.ac.ir

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علی صادقیان با عنوان طراحی واحد همسایگی در بافت تاریخی شهر یزد با رویکرد احیای روابط همسایگی است که به راهنمایی دکتر محسن

مقدمه و بیان مسئله

خوب اجتماعی مؤثر واقع شود. بر این اساس پرسش‌های اصلی این تحقیق بدین شرح‌اند:

۱. مکان تحقق معماری همسایگی کدام یک از عرصه‌های سه‌گانه بافت تاریخی یزد است؟
۲. الگوهای کالبدی معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد کدام‌اند؟
۳. ابزارهای معمارانه تحقق معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد چیست؟
۴. شاخصه‌های معماری همسایگی و اصول آن در بافت تاریخی یزد چیست؟

روش تحقیق

این تحقیق، که با هدف استخراج ویژگی‌های معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد انجام شده است، از نوع بنیادی و روش تحقیق از نوع نظریه داده‌مبنای است. برای استخراج ویژگی‌های معماری همسایگی با توجه به وجود نمونه‌های متعدد همسایگی در بافت تاریخی یزد از روش نمونه‌گیری نظری^۴ استفاده شد و بررسی نمونه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع نظری^۵ و رسیدن به داده‌های تکراری ادامه یافت که برخی موارد شاخص آن در ادامه معرفی شده‌اند. بنابراین، در کنار جمع‌آوری اطلاعات محدود کتابخانه‌ای، عمده داده‌ها از طریق بررسی میدانی با مشاهده هدفمند نمونه‌های بافت تاریخی یزد (منابع مادی دست اول) و مکان‌هایی جمع‌آوری شدند که رفتارهای همسایگی در آن‌ها شکل می‌گرفته است. سپس سعی شده است، ضمن شناسایی نظام‌مند اشتراکات و افتراقات آن‌ها با تکیه بر پارادایم مدل نظریه داده‌مبنای، گونه‌های مختلف این معماری شناسایی، مطالعه و تحلیل شود و نهایتاً براساس ویژگی‌های مشترک، دسته‌بندی و گونه‌بندی شوند و ویژگی‌های معماری و ابزارهای معمارانه شکل‌گیری همسایگی شناسایی و معرفی شوند. عمده فرآیند تحلیل از طریق عکس‌برداری مکرر و ترسیم دیاگرام‌های فضایی و پلان‌های شماتیک و درج یادداشت‌های تصویری و نوشتاری و سپس کدگذاری آن‌ها صورت گرفته است. بر مبنای روش کدگذاری، کدهای متکثر اولیه در فرآیند کاهشی به کدهای محوری و انتخابی (نتایج تحقیق) ختم شده‌اند.

• همسایگی

همسایگی در فرهنگ لغت دهخدا به معنی همسایه‌بودن، جوار و مجاورت است و همسایه به معنی دو تن یا دو خانواده است که در کنار هم خانه دارند (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۸۷). همین‌طور «جار» در عربی و «neighbor» در زبان انگلیسی به معنای در جوار هم بودن و در نزدیک هم سکونت داشتن است (فراهیدی، ۱۳۸۳؛ Oxford Dictionary).

«و بر همسایگی را عبارت از روابط متقابل اجتماعی مبتنی بر مساعدت‌های متقابل در وضعیت‌های مختلف اضطراری

روابط همسایگی را می‌توان زیرمجموعه‌ای از روابط اجتماعی^۱ که میان دو یا چند خانواده کنار هم ایجاد می‌شود، تعریف کرد. موضوعی که در این مجال از آن صحبت خواهد شد مسئله الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد است، به عبارتی دیگر، شناسایی مکانی که ارتباط بین همسایه‌ها، فارغ از فضای داخلی خانه‌ها، در آن جا تحقق می‌یافته است. در زندگی گذشتگان روابط بین همسایه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بوده و این روابط متأثر از نیازها، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی ایشان بوده است. احوال‌پرسی‌های روزانه، گپ و گفت‌وگو، شب‌نشینی، انجام مشارکتی برخی از کارها، پشتیبانی در مواقع بحران و خطر، بازی کودکان، همکاری برای انجام کارهای خیر و قرض دادن مایحتاج یومیه از جمله رفتارهای معمول در این زمینه به‌شمار می‌رفته است. از آنجا که لازمه شکل‌گیری رفتارهای انسانی کالبد متناسب با آن است، معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد با بهره‌گرفتن از ابزارهای معمارانه خاصی به تحقق رفتار همسایگی کمک کرده است و تعاملی مناسب میان این دو برقرار بوده، به نحوی که مشاهده می‌شود که در این زمینه هنجارهای اجتماعی و الگوهای کالبدی، تعاملی هم‌افزا در تحقق روابط همسایگی دارند و رابطه‌ای دوسویه بینشان برقرار است. البته باید اذعان داشت که این بحث صرفاً در مورد همسایگی و بافت تاریخی یزد صادق نیست، بلکه «تطبیق‌پذیری کالبد متناسب با سطوح مختلف نیازهای اجتماعی افراد شاخصه کالبدی بافت همسایگی در شهرهای اسلامی است. [در این شهرها] شکل‌گیری عرصه‌های عمومی و نیمه‌عمومی در بافت برگرفته از نیازهای اجتماعی افراد است، به نحوی که، متناسب با هر سطح روابط اجتماعی‌ای، لایه‌های فضایی و تمهیدات کالبدی متناسب آن درون بافت وجود دارد» (انجمنی، ۱۳۹۱، ۸).

با توجه به اینکه امروزه همسایگی به مثابه مؤلفه مثبت اجتماعی در جامعه ایران ضعیف شده است (سرعلی و پوردیهیمی، ۱۳۹۵، ۱۹) و تضعیف این مؤلفه باعث کم‌شدن تعاملات، وفاق، مشارکت و امنیت اجتماعی^۲ شده است و این موارد تبعات منفی اجتماعی را در پی دارد، به نظر می‌رسد معماری می‌تواند در احیای روابط همسایگی نقش راهبردی ایفا کند و، با بسترسازی، زمینه را برای برقراری مجدد این روابط در شکل امروزی آن فراهم کند. از این رو، با چشم‌انداز تقرب به مؤلفه‌های کالبدی مطلوب برای بازتعریف الگوهای نوین همسایگی در معماری و شهرسازی کنونی، در این تحقیق سعی می‌شود تا فضایی که در گذشته ظرف همسایگی بوده‌اند مطالعه، و شاخصه‌های معماری همسایگی و لوازم تحقق آنها بررسی شود تا با بهره‌مندی از آنها معماری و شهرسازی امروز بتواند به سهم خود در احیای این سنت

می‌برده است که حاصل همگنی اجتماعی و صفات مشترک بین همسایگان بوده که شرط روابط اجتماعی مطلوب است (Rapoport, 1980). برای مثال، همسایه‌ها براساس هم‌شهری بودن مانند دربند عرب‌ها یا فعالیت مشترک داشتن مانند گذر عرق‌پزها یا نسبت فامیلی داشتن مانند در بند علی آقا شیرازی، همگی در یزد گرد هم جمع می‌شده‌اند (پورجعفر و پورجعفر، ۱۹۳۱، ۷۱). «بر این اساس می‌توان چنین استنباط کرد که مفهوم همسایه‌بودن معنایی فراتر از مجاورت فیزیکی صرف دارد که می‌توان از آن به حسن مجاورت تعبیر کرد» (سرعلی و پوردیهیمی، ۱۳۹۵، ۱۹).

بنابراین عرصه همسایگی در شهرهای سنتی ظرف بروز رفتارهای همسایگی است که پس از رفتارهای خانوادگی قوی‌ترین، نزدیک‌ترین و فعال‌ترین روابط اجتماعی منسجم، مستمر و مداوم در زندگی سنتی محسوب می‌شود. این رابطه، که بین اعضای دو یا چند خانواده در عرصه مشخص بین آنها عموماً در قالب فعالیت‌های مشارکتی، تعریف می‌شده است، از یک سلام و احوال‌پرسی کوتاه و ساده و تعاملات چهره‌به‌چهره تا برگزاری مراسم جشن و شب‌نشینی بین ساکنان خانه‌های مجاور و بده-بستان‌ها و تعاملات روزمره بین خانواده‌های ساکن خانه‌های هم‌جوار را شامل می‌شده است.

در واقع همسایگی جامعه‌ای کوچک‌مقیاس مکان‌مند با روابط محدود اما منسجم است و سلول بنیادین محلاتی تلقی می‌شده است که واحد پایه ساختار و شالوده سازمان فضایی و اجتماعی شهرهای تاریخی ایران بوده‌اند (فلامکی، ۱۳۷۴، ۱۳۱؛ پاکزاد، ۱۳۶۹، ۱۸) و دو رکن «مجاورت مکانی» و «انسجام اجتماعی» را دارا بوده است.

• معماری همسایگی

به تبع اهمیت روابط همسایگی، ظرف تحقق آن یعنی معماری همسایگی موضوعیت جدی دارد. اساساً معماری ظرف تحقق روابط معنادار انسانی است و معماری همسایگی پاسخی برای پوشش دادن این وجه از روابط مورد نیاز انسان‌هاست. بنابراین همسایگی علاوه بر بعد اجتماعی (دلبستگی‌ها، روابط و مبادلات اجتماعی)، دارای بعد فضایی-کالبدی نیز هست (David & Herbert, 1993; Chaskin, 1997, 523) که این بعد فضایی معماری خاصی را شامل می‌شود و توانسته است موجودیت کالبدی مشخصی را برای خود خلق کند (Campbell, Henly & Elliott, 2009, 463). محل تمرکز این مقاله، شاخصه‌ها، ابعاد و اصول شکل‌گیری آن است.

اساساً دو مفهوم از همسایگی و به تبع آن معماری همسایگی می‌توان معرفی کرد: همسایگی سنتی که در جوامع گمین‌شفت^۷ مطرح بوده و در آن همسایه‌ها علاوه بر قرابت مکانی، از طریق خون، تبار، تاریخ یا فعالیت با هم مرتبط‌اند. در این نوع از همسایگی رابطه قوی و عاطفی بین افراد مختلف خانوارها برقرار

و بحرانی می‌داند. سوزان کلر در کتاب همسایگی شهری همسایگی را منطقه جغرافیایی می‌داند که همسایگان در آن سکونت دارند و فعالیت‌های همسایگی در آن انجام می‌گیرد. این منطقه ممکن است محدوده مشخص با مرزهای کاملاً معین و آداب و رسوم قدیمی و ریشه‌دار ... باشد» (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹، ۱۹۸). اگر خانه را به‌مثابه درون و جامعه را به‌مثابه محیط بیرون در نظر بگیریم، همسایگی در واقع فضای انتقال است که این تداوم از درون به بیرون در اثرپذیری و اثرگذاری فرد و جامعه نقشی بسیار مهم دارد (Wallace, 1939).

رابطه همسایگی در شهرهای سنتی ایران ذیل روابط محله‌ای (در ظرف معماری محله) و بالاتر از روابط خانوادگی (در ظرف معماری خانه) رخ می‌دهد (شکویی، ۱۳۶۵، ۴۸). محله در شهرهای تاریخی ایران محدوده مشخصی از شهر است که مؤلفه اصلی شکل‌دهنده شهرها و یکی از عناصر اصلی تقسیمات کالبدی شهری در نظر گرفته می‌شود (باستانی‌راد، ۱۳۹۱، ۲۲) و گروهی از اجتماع با اشتراکات مشخص و روابطی منسجم را درون خود ساکن می‌کند (پاکزاد، ۱۳۶۹، ۱۸؛ شکویی، ۱۳۶۵، ۵۰، ۲۰۱). در شهرهای سنتی ایران محلات واحدهای هویتی مشخصی هستند که تشابهات و تفاوت‌های معنی‌دار مشخصی با یکدیگر دارند، اگرچه تشابهات در سطحی قوی‌تر و تفاوت‌ها بالنسبه در سطحی کم‌اهمیت‌تر طبقه‌بندی می‌شوند. بررسی اجمالی متون تاریخی چون البلدان یعقوبی در قرن سوم، احسن التقاسیم مقدسی در قرن چهارم، مسالک و ممالک اصطخری در قرن چهارم هجری قمری و منابع دیگری که به‌نوعی به ساختار شهرها اشاره می‌کنند حکایت از آن دارد که ساختار شهرهای ایرانی بر مدار جوامعی، در مقیاس‌های مختلف از شهر، محله و همسایگی، استوار بوده که در آن‌ها انسجام اجتماعی حرف اول را می‌زده است. همگنی ساکنان و ارتباط خونی، نژادی، صنفی و ... به‌صورت خصیصه‌ای پایه در همه مقیاس‌های سکونت‌ی بزرگ‌تر از خانوار در شهر سنتی و از جمله در عرصه‌های همسایگی وجود داشته است (پاکزاد، ۱۳۶۹، ۱۸).

آنچه با تأمل در واژه همسایه، مشاهده عرصه‌های همسایگی و مرور منابع مکتوب بدیهی می‌نماید این است که نزدیکی فیزیکی خانه‌ها شرط لازم همسایگی است. اما نزدیکی فقط یک رکن عرصه‌های همسایگی در شهرهای سنتی ایران بوده است، چنانکه امروز در شهرهای جدید همسایه‌هایی وجود دارند که سوزان کلر آن‌ها را «غریبه‌های نزدیک» معرفی می‌کند (Keller, 1968, 23). بنابراین هر چند مجاورت مکانی عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری روابط اجتماعی است (Festinger, 1951)، همسایگی در گذشته علاوه بر نزدیکی مکانی از انسجامی اجتماعی و روابطی قوی بین افراد بهره

تاریخی و جدید همسایگی بحثی تطبیقی انجام داده‌اند. در ادامه پژوهش‌های صورت گرفته، در این مقاله قصد آن است که مستقلاً در زمینه معماری همسایگی در شهرهای تاریخی ایران با تکیه بر برداشت‌های میدانی، از طریق انتخاب یکی از غنی‌ترین جوامع آماری موجود به لحاظ کمی و کیفی، بافت تاریخی یزد، تولید محتوا صورت گیرد.

• معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد

«در شهرهای گذشته ما سلسله‌مراتب به‌صورت پیوسته در کلیه مقیاس‌ها از استخوان‌بندی شهر تا ترکیبات معماری مورد توجه بوده است» (طیبیان، چریگو و عبدالهی، ۱۳۹۰، ۱). این حلقه‌های مراتبی عمومی‌ترین فضای شهر را به خصوصی‌ترین فضاهای زندگی متصل می‌کرده‌اند. بافت تاریخی یزد نیز کاملاً از این نظام سلسله‌مراتبی بهره می‌برده و عرصه همسایگی یکی از مهم‌ترین حلقه‌های تعریف این زنجیره سلسله‌مراتبی در این شهر بوده که مابین روابط عمومی در مقیاس جامعه و روابط خصوصی در مقیاس خانواده قرار می‌گرفته است (تصویر ۱). اساساً شکل‌گیری عرصه‌ای به نام عرصه همسایگی در تفکر سلسله‌مراتبی موجود در شهرهای تاریخی به‌طور عام و بافت تاریخی یزد به‌طور خاص و در چنین منظومه‌ای محلی از اعراب می‌یابد.

شهر تاریخی یزد ترکیبی منسجم از محلات و محلات مجموعه‌ای از عرصه‌های همسایگی متشکل از خانه‌ها و کاربری‌های عمومی مورد نیاز آن‌هاست، عرصه‌هایی که عمدتاً براساس قرابت فامیلی، صنفی، تباری و دینی در نظامی تعریف شده و منسجم با یکدیگر شکل گرفته‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۳؛ باستانی‌راد، ۱۳۹۱، ۹-۱۰) (تصویر ۲). در یزد، همان‌گونه که درباره همسایگی به‌طور عام گفته شده است، همسایگی توانسته است موجودیتی کالبدی را خلق و خود را همچون نهادی اجتماعی در آن محقق کند، یک الگوی کالبدی ویژه با معماری تعریف شده (تصویر ۳) که به معنی دار کردن و هویت محیط شهری کمک کرده و سلول هویتی مشخصی را با عنوان عرصه همسایگی در بدنه هویتی این شهر پدید آورده است (Campbell et al., 2009, 463).

در این شهر همانند اکثر شهرهای تاریخی کشور هر فعالیت و رفتار مانند همسایگی، حریم و قلمرو خاص خود را داراست و متقابلاً هر فضا نیز حرمت و حریمی دارد. بافت تاریخی را می‌توان با توجه به حضور مردم، کیفیت حضور و محدودیت حضور به سه عرصه اصلی عمومی^{۱۱}، خصوصی^{۱۲} و نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی تقسیم کرد (پاکزاد، ۱۳۸۹، ۷۶-۷۸). «با بررسی تجربه گذشتگان در شهرهای قدیمی ایران، فضای خصوصی شامل خانه، حیاط و عناصر دربرگیرنده آن، فضای نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی شامل عرصه ورودی، دربند و ساباط و فضای عمومی به‌صورت گذر و میدان مشخص می‌شود» (توسلی،

و همسایگی از همگنی اجتماعی بالایی بهره‌مند بوده است و شبکه اجتماعی کوچک‌مقیاس اما قوی‌ای را شکل می‌دهد است و، در مقابل، همسایگی نوین که در جوامع گزشت‌افت^{۱۳} مطرح است و بدون پشتوانه ارتباطی قبلی و براساس محاسبات عقلانی و روابط قراردادی برای رسیدن به اهداف مشخص شکل گرفته است و در آن لزوماً اجتماع در معنی کامل آن محقق نمی‌شود (عضدانلو، ۱۳۸۶، ۵۶۰؛ ساروخانی، ۱۳۷۰، ۷۴۶؛ Abrams & Bulmer, 1986).

در مورد ابعاد معماری همسایگی در مفهوم جدیدش کارهای زیادی انجام شده است و مدل‌های متعددی مانند مدل‌های کالارنس پری، اندرو دوانی، الیزابت پلاتر زیبرگ و ریچار راجرز تدوین شده‌اند که مهم‌ترین و شاخص‌ترین آن‌ها نظریه «واحد همسایگی» در اوایل قرن بیستم بود^{۱۴} که درباره آن پژوهش‌های متعدد و تجارب عملی متنوعی صورت گرفته^{۱۵} و در ایران نیز وارد شده و تأثیرگذار بوده است. در مقابل این پیشینه پژوهشی وارداتی پیشینه پژوهشی اندکی مبتنی بر مطالعه روی مصادیق موجود در شهرهای تاریخی کشور و مذاقه در آن صورت گرفته است. معماری همسایگی در معنای جدیدش هرچند قرابت‌هایی با همسایگی در مفهوم سنتی‌اش در شهرهای تاریخی دارد، با سبک زندگی جدید و حضور ماشین در شهرها، تفاوت‌هایی اساسی با گذشته‌اش دارد (ثقة‌الاسلامی و امین‌زاده، ۱۳۹۲، ۳۳؛ Weliman & Leighton, 1979).

در بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه معماری همسایگی در شهرهای تاریخی ایران، بیشتر ذیل توجه به محله به همسایگی نیز پرداخته شده است. مطالعات زیادی درباره اهمیت و نقش محله‌های سنتی در ایران صورت گرفته است که شاخص‌ترین آن‌ها را فلامکی (۱۳۶۶)، سلطان‌زاده (۱۳۶۷)، حبیبی (۱۳۸۲) و توسلی (۱۳۷۶) انجام داده‌اند که هرچند می‌توان ابعادی از عرصه همسایگی را ذیل توجه به محله از آن‌ها برداشت کرد، به‌طور مستقل به همسایگی در ایران اشاره نداشته‌اند. در پژوهش‌هایی که موقر، رنجبر و پورجعفر (۱۳۹۴) و همین‌طور پاکزاد (۱۳۶۹) انجام داده‌اند «محله در شهرهای تاریخی» را معادل «واحد همسایگی در غرب» تبیین کرده‌اند و از منظر این شباهت آن را مطالعه کرده‌اند و باز در مقایسه‌ای که ثقة‌الاسلامی و امین‌زاده (۱۳۹۲) انجام داده‌اند این دو مفهوم را ماهیتاً متفاوت دانسته‌اند. پورجعفر و پورجعفر (۱۳۹۱) تاریخچه همسایگی و محله در شهرهای ایران دوره اسلامی را بررسی، و به نقش آموزه‌های اسلام در اهمیت همسایگی در شهر اسلامی اشاره کرده‌اند. در این میان شاید مستقل‌ترین پژوهش در این حوزه را بتوان پژوهش سرعلی و پوردیهیمی (۱۳۹۵) دانست که در مقاله «همسایگی و همسایه‌بودن» درباره مفهوم

«ویژگی‌های معماری»، به‌منزله مؤلفه‌های مؤثر در میزان و شدت روابط همسایگی است (سرعلی و پوردیهیمی، ۱۳۹۵، ۲۰) که می‌توان آن را در معماری همسایگی یزد مشاهده و پیگیری کرد. معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد دارای ویژگی‌ها و ابزارهای معمارانه خاصی بوده است به‌نحوی که حد فاصل دو یا چند خانه را به‌شکل خوانا به بستری برای رخداد همسایگی تبدیل می‌کرده است. در واقع معماری همسایگی، به‌مدد ابزارهای معمارانه‌ای که حاصل اندیشه معمار یزدی بوده، توانسته است زمینه شکل‌گیری رابطه‌ای خاص و اجتماعی مشخص را میان خانه‌های مجاور میسر کند. در این عرصه، معماری همسایگی، در عین تنوعی که دارد و الگوهایی که شامل می‌شود، ویژگی‌های مشترکی دارد که باعث تقویت و تسهیل روابط میان همسایه‌ها می‌شود. در ادامه ابتدا گونه‌های این معماری و سپس ویژگی‌ها و اصول این معماری بررسی خواهند شد.

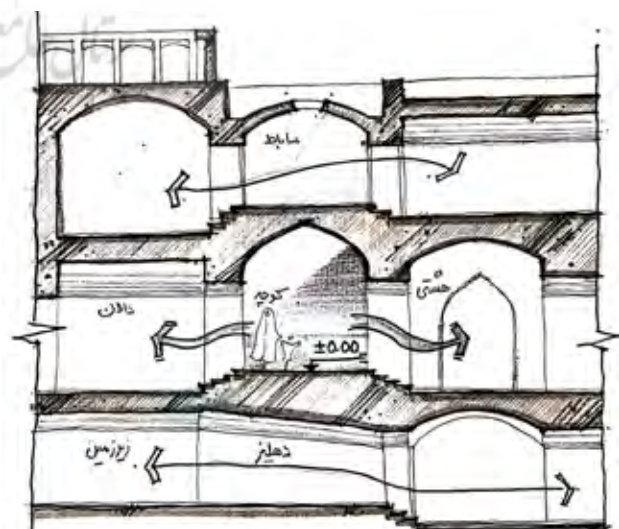
۱۳۸۲، ۱۴) (تصویر ۴). روابط همسایگی در شهر تاریخی یزد، در عرصه نیمه‌عمومی رخ می‌دهند. فضاهای نیمه‌عمومی فضاهایی هستند که از نظر دسترسی محدودیت‌های فضاهای خصوصی را ندارند، ولی به‌دلیل کارکرد خاصشان یا نحوه طراحی و ویژگی‌های آن‌ها به‌صورت عرفی مورد استفاده همه افراد محله قرار نمی‌گیرند. در واقع عرصه معماری همسایگی محدوده‌ای حد فاصل محدوده خصوصی خانواده و عرصه عمومی محله را شامل می‌شده است. بنابراین تعاملات بین همسایگان، به جز در عرصه خصوصی خانه‌ها، در عرصه نیمه‌عمومی بیرون اما مجاور خانه‌ها و در مکان‌هایی حد فاصل خانه‌ها که شرایط مناسبی برای افراد فراهم می‌کرده است هم اتفاق می‌افتاده است. این عرصه از معماری‌ای بهره می‌برده است که محل تمرکز این مقاله است و تحت عنوان «معماری همسایگی» از آن یاد شده است. دو مؤلفه اصلی عرصه همسایگی، «مجاورت مکانی» و



تصویر ۱. سلسله‌مراتب عرصه‌های اجتماعی در شهرهای تاریخی یزد. مأخذ: نگارندگان. تصویر ۲. تنوع همسایگی در شهر تاریخی یزد. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. عرصه‌های مراتبی بافت تاریخی یزد. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. روابط کالبدی بین خانه‌های همجوار در سه سطح زیرزمین، همکف و اول. مأخذ: نگارندگان.

رابطه همسایگی بین خانه‌ها تعریف می‌شده است. در این نوع از الگوی همسایگی هرچند فضای نیمه‌عمومی به شکل کامل خود شکل نمی‌گیرد، تا حدود زیادی عرصه همسایگی قابل درک است.

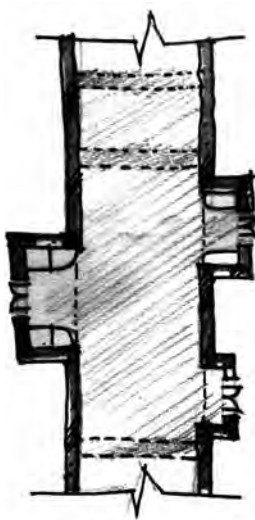
• دربند

دربند به لحاظ لغوی معانی متعدد دارد. اما در اینجا به معنای کوچه بن‌بست کوتاه، تنگ و دردار هست (فرهنگ معین، ۱۳۵۰). دربند به صورت کوچه بن‌بست نیمه‌عمومی یا هشتی به چند خانه منتهی می‌شده است و عرصه‌ای واسط بین عرصه خصوصی خانه و عرصه عمومی معبر اصلی بوده است. هرچند برخی از دربندها در داشته‌اند که در شب‌ها بسته می‌شده است، اکثر آن‌ها بدون در بوده‌اند و صرفاً به لحاظ ویژگی‌های معماری به گونه‌ای بوده‌اند که غریبه‌ها بدان وارد نمی‌شده‌اند. علاوه بر این با توجه به فضای امن و اختصاصی‌ای که برای ساکنان ایجاد می‌کرده‌اند، این امکان را فراهم می‌کرده‌اند که بخشی از فعالیت‌های بین خانه‌ها و خانواده‌ها (روابط همسایگی) در آن اتفاق بیفتد. این عرصه دنج و آرام به ساکنان اجازه می‌داده است تا بدون دخالت افراد غریبه در این فضای نیمه‌عمومی گرد هم آیند و با هم ارتباط داشته باشند. این عرصه به خانه‌های داخل خود تعلق داشته و موجب رابطه بیشتر و نزدیکی و تعامل ساکنان با یکدیگر می‌شده است. دربند، از آنجا که عمدتاً مورد استفاده ساکنان آن فضاست، از شلوغی و رفت و آمد عموم بر کنار است (خاکساری، شکیبامنش و قربانیان، ۱۳۸۵، ۵۳). معمولاً دربندها، علاوه بر مجموعه همسایگی، مجموعه‌های فامیلی بوده‌اند و نسبتی خویشاوندی نیز بین ساکنان خانه‌های یک دربند برقرار بوده است، از این رو گفته شده است که «دربندها محورهایی هستند که اعضای فامیل

گونه‌های معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد مشاهده مصادیق متنوع معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد حکایت از آن دارد که مفهوم همسایگی کیفیتی است که در ظرف‌های مکانی مختلفی محقق می‌شود و به همین دلیل الگوهای معماری متنوعی را شامل می‌شود. این معماری اشکال و اطوار مختلفی را در بر می‌گرفته است و برحسب مکان، بضاعت مالی همسایگان، نوع معیشت، شغل آن‌ها و ... گونه‌های متنوعی را شامل می‌شده است. شناخته‌شده‌ترین گونه‌های معمارانه (الگوهای کالبدی) را که در بافت تاریخی یزد این روابط را تعریف کرده‌اند می‌توان در قالب سه گونه «ورودی‌محور»، «دربندمحور» و «ساباط‌محور» معرفی کرد، هرچند نمونه‌های ترکیبی نیز زیاد به چشم می‌خورد.

• چینش ورودی‌ها

ساده‌ترین شکل معماری همسایگی را می‌توان گونه‌ای معرفی کرد که با چینش و ترکیب ورودی‌ها تعریف و تبیین می‌شود. آنجا که قرارگیری ورودی چند خانه در کنار هم به شکلی خاص و نزدیک به هم بستری برای وقوع روابط همسایگی تعریف می‌شود (تصویر ۵). در معابر بافت تاریخی یزد بعضی بخش‌ها وجود دارند که در آنها چند در ورودی به هم نزدیک شده، در روبه‌رو یا کنار هم، با چند تمهید معمارانه خاص و عموماً محدود، عرصه خصوصی تری را شکل داده‌اند، به نحوی که احساس می‌شود آن بخش از معبر متعلق به آن چند خانه است و رابطه‌ای نزدیک بین آن‌ها وجود دارد. این حالت عموماً با نزدیک کردن ورودی‌ها به یکدیگر یا در مقابل هم قراردادن آن‌ها اتفاق می‌افتد. در بعضی جاها در حد فاصل این ورودی‌های به هم نزدیک شده، کفسازی تغییر کرده یا با اجرای یک یا چند طویزه (پشت‌بند) حریمی برای وقوع



تصویر ۵. چینش ورودی‌ها و شکل‌گیری عرصه همسایگی، یزد، کوچه رسولیان. مأخذ: نگارندگان.

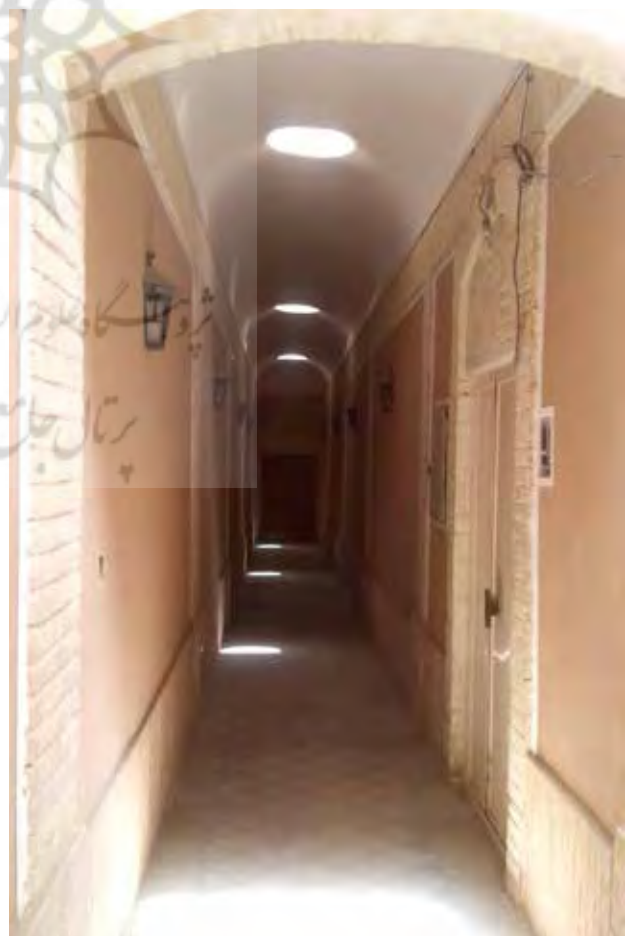
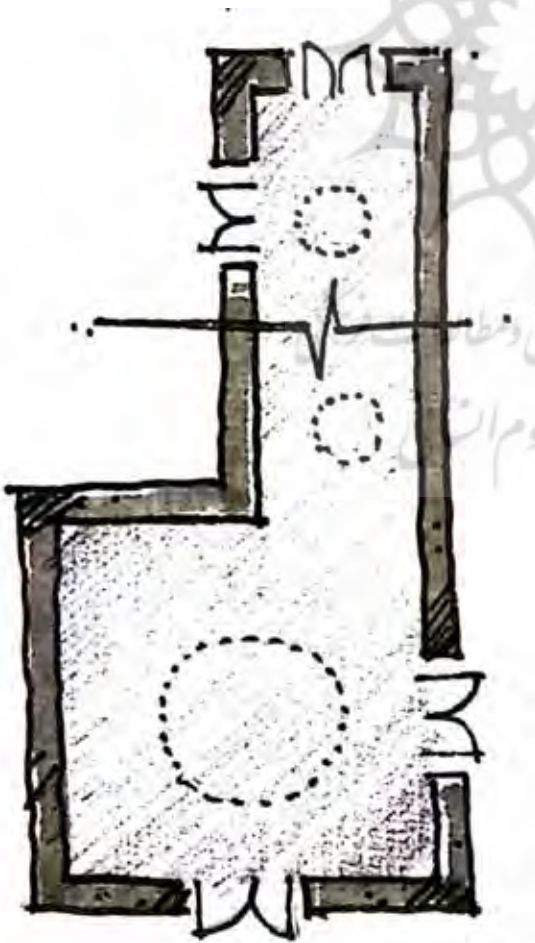
و به معنای راهروی پوشیده، پوششی بالای سر رهگذر و سقفی است که در زیر آن راه ورود به خانه قرار دارد (فرهنگ عمید، ۱۳۶۱، ۶۸۰). «ساباطها براساس نوع سقف و از نوع کاربری بالای سقف آنها به چند دسته تقسیم می‌شوند، سقف مسطح از تیرهای چوبی و حصیر، ساباط‌های دارای طاق، ساباط‌هایی که روی سقفشان کاربری مسکونی داشته‌اند و معمول اتاق با یک یا دو در باز شو و دارای چشم‌اندازی مناسب به کوچه بوده است و ساباط‌هایی که احتمالاً مسیری بوده‌اند که خانه‌های دو طرف کوچه را به هم پیوند می‌داده‌اند. علاوه بر کارکرد فیزیکی ساباط، می‌توان به کارکردهای اجتماعی آن در قالب عرصه همسایگی اشاره کرد. در بسیاری از ساباطها ورودی چند خانه وجود دارد که از نظر افزایش حس همسایگی و همبستگی نیز حائز اهمیت است» (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۱۵۹). در واقع ساباطها به دلیل مردم‌واری، خلوت عین امنیت و ایجاد شرایط عملکردی و اقلیمی مناسب، مسیر «عبوری» کوچه را به مکانی برای «حضور» همسایگان مبدل می‌کرده است (تصویر

و خانه‌های آنها را گرد هم جمع می‌آورد و معمولاً پرپیچ‌وخم و باریک و سرپوشیده و دارای درند» (خادم‌زاده، ۱۳۸۶). در بافت تاریخی یزد، دربند را می‌توان قوی‌ترین و شاخص‌ترین نوع معماری همسایگی برشمرد (تصویر ۶).

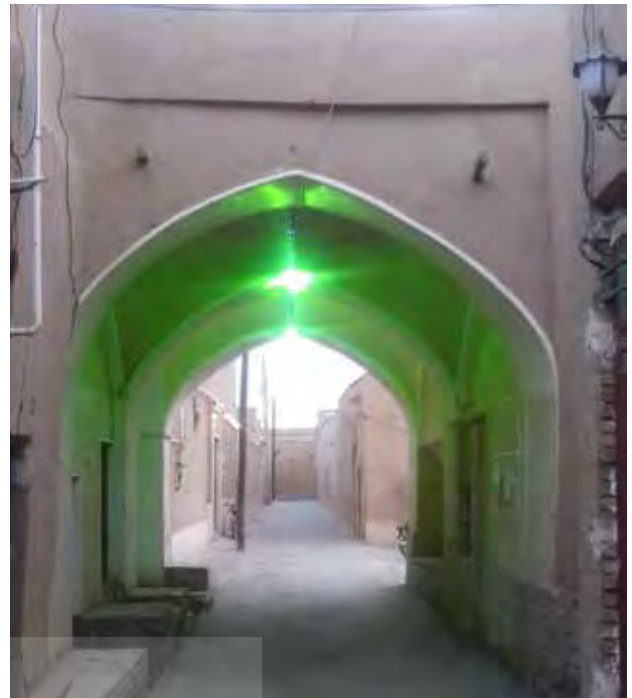
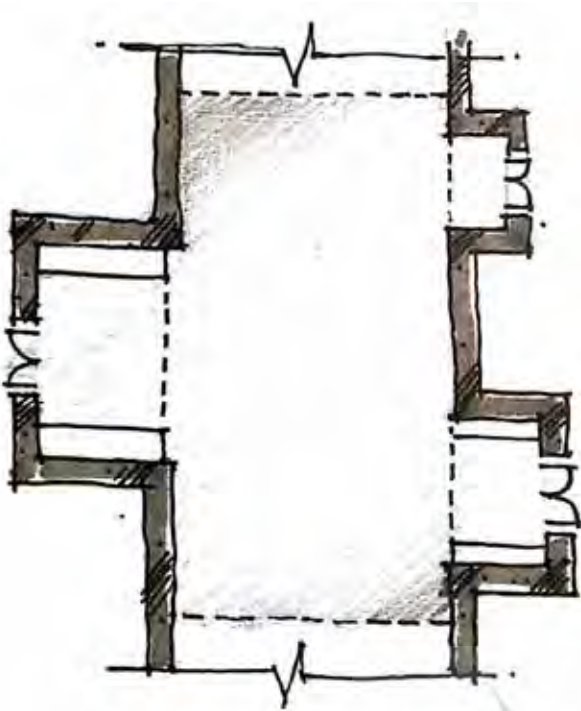
دربندها از نظر شکلی به دو دسته کوچه‌های کم‌عرض (بن‌بست کوتاه بدون شکست، بن‌بست پیچ‌دار) و هشتی (مربعی، هشتی یا دیگر چندضلعی‌های معمولاً منتظم) تقسیم می‌شوند. دربندها، به دلیل داشتن سردر ورودی، درب ورودی، ورودی کوتاه و محدود، پایین‌تر از سطح معبر بودن، تناسب و مقیاس متفاوت و تغییر نور و سایه، دارای حریمی قوی بودند که با ویژگی‌هایی چون خلوت، امنیت، مقیاس انسانی و آسایش اقلیمی (به علت داشتن سایه و کوران) و امکانات عملکردی باعث شکل‌گیری رابطه همسایگی قوی و فضایی دنج و خلوت به دور از دخالت غریبه‌ها می‌شده‌اند.

• ساباط

ساباط در زبان فارسی دارای ریشه کهن است. جزء اول آن «سا» به معنی آسایش و جزء دوم آن «باط» نمودار ساختمان، آبادی و عمارت است (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۱۵۹)



تصویر ۶: دربند و شکل‌گیری عرصه همسایگی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. ساباط و شکل‌گیری عرصه همسایگی. مأخذ: نگارندگان.

تسهیل شکل‌گیری روابط همسایگی به‌سهم خود می‌شدند. این شاخصه‌ها در گونه‌های مختلف دارای شدت و ضعف هستند که باعث پررنگ یا کم‌رنگ شدن جنبه‌ای از روابط همسایگی شده است. هرکدام از این ویژگی‌ها با تمهیدات معمارانه خاص شکل می‌گیرند که در این مقاله از آن‌ها با عنوان ابزارهای معمارانه شکل‌دهی به معماری همسایگی یاد شده است. آنچه در این بخش بدان پرداخته خواهد شد ابزارهای معمارانه و شاخصه‌های معماری‌ای است که این ابزارها باعث خلق آن‌ها می‌شده است و در نهایت به تولید عرصه همسایگی در بافت تاریخی یزد منجر می‌شده است. مطالعه گونه‌های سه‌گانه معماری همسایگی حکایت از آن دارد که از جمله مهمترین ابزارهای معمارانه شکل‌گیری روابط همسایگی در بافت تاریخی یزد، که فضا را از نظر کالبدی محیای برقراری روابط بین همسایگان می‌کرده است، می‌توان به تغییر مصالح کف و جداره‌ها (آزاره‌ها)، مسقف‌بودن، ایجاد اختلاف سطح، ایجاد امکان نشستن موقت، تغییر تناسبات، تزیینات و تغییر نور و سایه اشاره کرد (جدول‌های ۱ و ۲). این ابزارهای معمارانه باعث شکل‌گیری معماری شده که دارای ویژگی‌های برجسته‌ای بوده که مهمترین آن‌ها شامل موارد زیر است:

۱. مردم‌واری و مقیاس انسانی: با افزایش جزئیات و ریزدانی موجب تقویت حس تعلق، بالارفتن عمر تماشای فضا می‌شود و حضور در فضا را افزایش می‌دهد؛
۲. آسایش اقلیمی (سایه‌اندازی-کوران): انگیزه حضور و زمان ماندگاری در فضا را افزایش می‌دهد؛

۷. ساباط‌ها به‌لحاظ قوت حریم عرصه همسایگی در بین دو الگوی دیگر قرار می‌گیرند. ساباط‌ها را می‌توان به دو دسته کلی طاقی و فضایی تقسیم کرد. ساباط‌های طاقی تنها بخشی از کوچه‌اند که سرپوشیده شده و با یک طاق تعریف می‌شده‌اند. ساباط‌های فضایی در واقع اتاقی روی کوچه بوده‌اند. این گونه از ساباط‌ها دید مناسب به کوچه داشته‌اند و بیشتر در ورودی محله‌ها یا رو به فضای باز، مانند میدان محله، قرار می‌گرفته‌اند. ساباط‌ها با سرپوشیده کردن بخشی از کوچه افراد رهگذر را از آفتاب سوزان در امان می‌داشتند و با ایجاد کوران هوا فضایی مناسب در فصول گرم سال مهیا می‌کرده‌اند. همچنین وجود سکو در بسیاری از ساباط‌ها مجالی برای استراحت افراد و برقراری ارتباط و تعامل بین آنها ایجاد می‌کرده است. مجموعه این عوامل فضای عبوری کوچه را به عرصه حضور و برقراری روابط اجتماعی مبدل می‌کرده است. به‌خصوص در جاهایی که در خانه‌ها به داخل آن باز می‌شده بستر بسیار مطلوبی برای شکل‌گیری روابط همسایگی بوده است.

شاخصه‌ها و ابزارهای تحقق معماری همسایگی

با بررسی گونه‌های معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد، علاوه بر نزدیکی خانه‌ها به یکدیگر، که به تعریف عرصه همسایگی کمک می‌کرده است، هرکدام از نمونه‌ها با دارابودن شاخصه‌های معمارانه عموماً مشترک و بعضاً متفاوت، اسباب و لوازم برقراری روابط همسایگی را تأمین و سبب تشویق و

۶. امنیت (روانی و فیزیکی): حضور در فضا و افزایش زمان ماندگاری در آن را افزایش می‌دهد است. همه این ویژگی‌ها باعث افزایش «حضورپذیری» فضا می‌شده‌اند و، با توجه به مجاورت ورودی خانه‌ها، بستر کالبدی شکل‌گیری و تقویت روابط همسایگی را فراهم می‌آورده‌اند.

۳. خلوت: عمر حضور و تعلق به فضا را بالا می‌برده است؛
۴. ایجاد حریم: تشخیص فضا و تمایل به حضور در آن و زمان ماندگاری را افزایش می‌دهد است؛
۵. آسایش عملکردی: انگیزه حضور در فضا را افزایش می‌دهد است؛

جدول ۱. بررسی موردی درب‌ها در بافت تاریخی یزد. مأخذ: نگارندگان.

| نمونه بررسی شده | | | | ابزارهای معماری همسایگی |
|--|---|---|---|---|
| شکوهی | مربعی | هشت ضلعی | وزیری | |
|  |  |  |  | |
| شکوهی | مربعی | هشت ضلعی | وزیری | |
| نام دربند | شکوهی | مربعی | وزیری | - |
| تعداد درب خانه‌ها | ۳ | ۲ | ۲ | ۲ |
| شکل پلان | مستطیلی | مربعی | هشت ضلعی | ال شکل |
| نوع سقف | آهنگ | بدون سقف | گنبدی | آهنگ |
| سکوی جلوی ورودی خانه‌ها | دارد | ندارد | دارد | ندارد |
| ورودی دربند | بدون درب | بدون درب | دارای سردر ورودی | دارای سردر ورودی و درب ورودی |
| آجری | کنار درب، ازاره‌ها | کنار درب، ازاره‌ها | آزاره‌ها | کنار درب، ازاره‌ها |
| تزیینات گچ‌بری | - | - | کنار درب، سقف کاربردی | سقف، نوارهایی روی دیوارها |
| تغییر کفسازی | دارد | دارد | دارد | دارد |
| تغییر تناسبات | دارد مسقف بودن | دارد ورودی کوتاه | دارد ورودی کوتاه مسقف بودن | دارد ورودی کوتاه مسقف بودن |
| نور و سایه | سقف، سایه کافی در دربند را ایجاد کرده است، هورنوها ترتیبی از نور و سایه را در دربند فراهم کرده‌اند. | با افزایش نسبت طول دیوار معبر به عرض آن، سایه مناسبی ایجاد شده است. | سقف، سایه کافی در دربند را ایجاد کرده است، هورنوها ترتیبی از نور و سایه را در دربند فراهم کرده‌اند. | سقف، سایه کافی در دربند را ایجاد کرده است، هورنوها ترتیبی از نور و سایه را در دربند فراهم کرده‌اند. |
| مصالح | کاهگل، آجر، چوب | کاهگل، آجر، چوب | کاهگل، آجر، چوب، گچ | کاهگل، آجر، چوب، گچ |

جدول ۲. بررسی موردی ساباطها در بافت تاریخی یزد، مأخذ: نگارندگان.

| نمونه بررسی شده | | | | ابزارهای معماری همسایگی |
|---|---|---|---|-------------------------------------|
| ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | |
|  |  |  |  | تعداد درب |
| آهنگ | طاق و طویزه | طاق و طویزه - آهنگ | طاق و طویزه | نوع سقف |
| دارد | دارد | - | - | فضا |
| ندارد | ندارد | دارد | دارد | سکو |
| آزاره، کنار درب | آزاره | آزاره، سکوها | آزاره، سکوها | آجری |
| - | - | - | کنار درب، سقف | تزیینات گچ‌بری |
| دارد | دارد | ندارد | ندارد | تغییر کفسازی |
| دارد | دارد | دارد | دارد | تغییر تناسبات مسقف کردن و باریک شدن |
| نورگیری از دو طرف کم، وجود سقف، آسایش افراد رهگذر | طول کم و عرض زیاد، نورگیری از دو طرف، وجود سقف، آسایش افراد رهگذر | نورگیری از دو طرف کم، وجود سقف، آسایش افراد رهگذر | طول کم و عرض و ارتفاع زیاد، نورگیری از دو طرف مناسب، وجود سقف، آسایش افراد رهگذر | نور و سایه |
| کاهگل، آجر | کاهگل، آجر | کاهگل، آجر | کاهگل، آجر، گچ | مصالح |

آسایش عملکردی و امنیت، میزان حضورپذیری بخشی از معبر را افزایش داده‌اند (تصویر ۹). این کیفیات معماری ویژه‌ای را در بافت تاریخی یزد به وجود آورده است که می‌توان با نام معماری همسایگی از آن یاد کرد. این معماری در قالب سه الگوی کالبدی چینش ورودی‌ها، دربند و ساباط تفکیک و شناسایی می‌شود (تصویر ۱۰). غلظت و رقت روابط همسایگی در این سه گونه یکسان نیست، ولی ویژگی‌های مشترک فضایی آن‌ها باعث شده است که هر سه گونه بستر شکل‌گیری و تقویت روابط همسایگی را در عرصه نیمه‌عمومی بافت تاریخی یزد فراهم آورند.

نتیجه‌گیری

بررسی معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد نشان می‌دهد معماران، با دو اصل ساده «نزدیکی (مجاورت مکانی)» و تغییر در «ویژگی‌های کالبد» معبر، عرصه‌های نیمه‌عمومی همسایگی را خلق کرده‌اند و پیوند معناداری را بین دو یا چند خانه برقرار و امکان تعاملات بین آن‌ها را تقویت کرده‌اند. در این مسیر معماران، با استفاده از ابزارهای معمارانه‌ای چون مسقف کردن، ایجاد اختلاف سطح، ایجاد امکان نشستن موقت، تزیینات و تغییر تناسبات، مصالح و نور و سایه (تصویر ۸)، کیفیت‌های فضایی خاصی مانند مردم‌واری، آسایش اقلیمی، خلوت، حریم،

پی‌نوشت‌ها

۱. روابط میان دو یا چند نفر که می‌تواند کلامی یا غیر کلامی برقرار شود روابط اجتماعی نامیده می‌شود (وبر، ۱۳۷۴، ۳۱).
۲. برای مثال در زمینه تأثیر روابط همسایگی بر هنجارهای جامعه مانند امنیت ثابت شده است که «در مناطقی که روابط همسایگی از عمق، وابستگی و رضایت بیشتری برخوردار است، احساس امنیت اجتماعی بیشتر است» (گلابی و زارع‌زاده اردشیر، ۱۳۹۳، ۱). «همچنین میان مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر رابطه قوی و مستقیمی برقرار است» (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹، ۱).
۳. grounded theory
۴. theoretical sampling
۵. theoretical saturation

۶. شکویی در کتاب جغرافیای اجتماعی شهرها، دارابودن حوزه جغرافیایی از شهر با وسعت کم و زیاد، پیدایش و تکوین اجتماعی کوچک با هویت مشخص از گروهی از افراد و وابستگی اجتماعی غیررسمی میان آنها را مشخصه‌های محله معرفی می‌کند؛ چیزی که در نظام سنتی زندگی در شهرهای ایران کاملاً ظهور و بروز دارد (شکویی، ۱۳۶۵، ۴۸-۵۰).
۷. gemeinschaft
۸. gesellschaft

۹. بنگرید به پری (Perry, 1929)

۱۰. بنرجی و بیر (Banerjee & Baer, 1984) در پژوهشی با عنوان «ورای واحد همسایگی» و دیوید و هربرت (David & Herbert, 1993) تعاریف متنوعی از همسایگی را ارائه کرده‌اند. چاسکین (Chaskin, 1997) ابعاد مختلف واحد همسایگی را بر شمرده است. فیلیپ جانسون (1896)، کلر (Keller, 1968) و پاتریکیوس (Patricios, 2002) دیگر پژوهشگرانی هستند که کارهای عمیقی را بر روی مفهوم نوین همسایگی در شهرهای امروز انجام داده‌اند.

۱۱. آن دسته از فضاهایی هستند که بین تمام افراد به صورت مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد و هیچ‌گونه محدودیتی برای ورود و حضور در این فضا وجود ندارد. در این فضاها کنترل حضور غریبه‌ها از طریق موانع غیرکالبدی و احساسی صورت می‌پذیرد و نه موانع کالبدی. فضاهای باز داخل محله، مثل مرکز محله، معابر، فضای بازی کودکان و مانند اینها، جزء این دسته از فضاها هستند (پاکزاد، ۱۳۸۹، ۷۷-۷۸).

۱۲. آن بخش از فضاهای بافت تاریخی که به صورت خصوصی در تصرف یا تملک اشخاص قرار داشته و مورد استفاده آنها قرار می‌گرفته است و ورود به آنها مستلزم دق‌الباب بوده است. پدیده‌ای است در این فضاها، فعالیت‌ها و رفتارهایی به وقوع می‌پیوندد که کاملاً جنبه خصوصی دارند. فضاهایی چون خانه‌ها، باغ‌های خصوصی و ... از آن جمله‌اند (پاکزاد، ۱۳۸۹، ۷۷).

فهرست منابع

- انجمنی، زینب. (۱۳۹۱). بررسی جایگاه و مفهوم همسایگی در کالبد شهر اسلامی. مقاله ارائه شده در همایش ملی معماری و هویت با محوریت مسکن اسلامی ایرانی، مرکز فرهنگی آموزشی سما، همدان.
- باستانی راد، حسن. (۱۳۹۱). کوی (محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۰ (۱)، ۱-۳۰.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۶۹). واحد همسایگی. صفا، ۱، ۱۶-۲۰.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۹). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: شهیدی.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۴). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: سروش دانش.
- پورجعفر، محمد و پورجعفر، علی. (۱۳۹۱). الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی-اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۰ (۳)، ۱۵-۲۴.
- توسلی، محمود. (۱۳۷۶). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران (ج ۱)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- توسلی، محمود. (۱۳۸۲). اصل ارتباط در طراحی شهری. هنرهای زیبا،



تصویر ۸. الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۹. ابزارهای معماری تحقق معماری همسایگی، مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۰. شاخصه‌های کالبدی معماری همسایگی در بافت تاریخی یزد. مأخذ: نگارندگان.

- ۱۴ (۱۴)، ۳۲-۳۹.
- ثقة الاسلامی، عمیدالاسلام و امینزاده، بهناز. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به‌کاررفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی. هویت شهر، ۱۳ (۷)، ۳۳-۴۵.
 - حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۲). *از شار تا شهر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - خادمزاده، محمدحسین. (۱۳۸۶). *مجلات تاریخی شهر یزد*. تهران: سبحان نور.
 - خاکساری، علی؛ شکیبامنش، امیر و قربانیان، مهشید. (۱۳۸۵). *محله‌های شهری در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
 - سرعلی، رضا و پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۵). همسایگی و همسایه‌بودن. *صفه*، ۲۶ (۱)، ۵-۲۵.
 - سلطانزاده، حسین. (۱۳۶۷). *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
 - شکویی، حسین. (۱۳۶۵). *جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر*. ویراستار رحیم مشیری، تهران: اسوه.
 - صدیق سروسستانی، رحمت‌الله و نیمروزی، نوروز. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت، *دانش انتظامی*، ۱۲ (۲)، ۱۸۵-۲۲۰.
 - طبیبیان، منوچهر؛ چرنگو، نصیبه و عبدالهی مهر، انسیه. (۱۳۹۰). بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی-اسلامی. *آرمان شهر*، ۴ (۷)، ۶۳-۷۶.
 - عضدانلو، حمید. (۱۳۸۶). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. تهران: نی.
 - فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۳۸۳). *العین*. زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران: اسوه.
 - فرهنگ فارسی معین. (۱۳۵۰). به‌کوشش محمد معین، تهران: امیرکبیر.
 - فرهنگ لغت فارسی عمید. (۱۳۶۱). به‌کوشش حسن عمید. تهران: ابن‌سینا.
 - فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۶۶). *شکل‌گیری شهرهای ایران (ج. ۲)*. به‌کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
 - فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۷۴). *باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - گلابی، فاطمه؛ زارعزاده اردشیر، لیلا. (۱۳۹۳). روابط همسایگی و احساس امنیت اجتماعی، *مطالعه شهروندان شهر تبریز*. *دانش انتظامی آذربایجان شرقی*، ۱۲ (۴)، ۱۹-۳۶.
 - لغت‌نامه دهخدا. (۱۳۷۷). به‌کوشش علی‌اکبر دهخدا. تهران: روزنه.
 - موقر، حمیدرضا؛ رنجبر، احسان و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۴). بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران، *نمونه مطالعاتی محله‌های شهر نایین*. *مطالعات معماری ایران*، ۸، ۳۵-۵۶.
 - وبر، ماکس. (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه (ترجمه عباس منوچهری)*؛ مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده. تهران: مولی.
 - Abrams, P., & Martin, B. (1986). *Neighbours: The Work of Philip Abrams*. New York: Cambridge University Press.
 - David, W., & Herbert, D. (1993). *Communities within Cities: An Urban Social Geography*. London: Belhaven.
 - Campbell, E., Henly, R., Elliott, S., & Irwin, K. (2009). Subjective constructions of neighborhood boundaries: lessons from a qualitative study of four neighborhoods. *Journal of Urban Affairs*, 31(4), 461-490.
 - Chaskin, R. (1997). *Perspectives on Neighborhood and Community: a Review of the Literature*, *Social Service Review*. Chicago: University of Chicago.
 - Festinger, L. (1951). Architecture and group membership. *Journal of Social Issues*, 7(1 & 2), 152-163.
 - Keller, S. (1968). *The Urban Neighborhood: a Sociological Perspective*. New York: Random House.
 - Rapoport, A. (1980). Neighborhood heterogeneity or homogeneity. *Architecture and Behavior*, 1(1), 65-77.
 - *Oxford Dictionaries*. (2019). Retrieved from www.oxforddictionaries.com
 - Perry, C. (1929). The neighborhood unit, a scheme of arrangement for the family-life community: Regional survey of New York and its environs. *Neighborhood and Community Planning*, (7), 22-140.
 - Wallace, A. (1939). *Housing and Social Structure: a Preliminary Survey, with a Particular Reference to Multi-Story, Low-Rent, Public Housing Projects*. London: London University Press.
 - Wellman, B., & Barry, L. (1979). Networks, neighborhoods and communities: approaches to the study of the community question. *Urban Affairs Quarterly*, 14(3), 363-390.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

عباسی هرفته، محسن و صادقان، علی. (۱۳۹۸). الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد شاخصه‌ها، ابزارهای معمارانه و اصول معماری همسایگی. *باغ نظر*، ۱۶ (۸۰)، ۵-۱۶.

DOI: 10.22034/bagh.2020.133330.3592

URL: http://www.bagh-sj.com/article_101644.html

